

بہ نماز شب

بہ نماز شب



حسین مروتی / شهید علم
نشر معارف - خاطره ۱۰

۳-۱-۲) عالم ربانی‌ای که در این نوشته شناس

با توجه به امر مهمی که یاد شد، بیان ذی‌لایحه و مذهبی و توضیح مبانی جهان‌بینی هر مذهب را به‌دلیل تأسیس اسلام، زمانی به «آرام‌بزرگ» (جاده) نخواهد رسانید، به شرط آنکه نویسندگان و نویسندگان از نقل مطالب ضعیف پرهیز کنند، تهمت افترا زنند، ادب را رعایت کنند و اخلاق اسلامی ششون برادری را ملحوظ دارند. شرف‌الدین که اکنون این رساله به نام او منتشر می‌شود، خود، بر راه این ۲ خدمت بزرگ (نشر حقایق مذهبی و دعوت به «تجداد اسلامی») ۶۰ سال به جان کوشیدیم. «مجموعه‌های مبارزات وسیع با «امپریالیسم» و «فئودالیسم» همواره حضورهایی تعیین‌کننده و بیکر نداشت.

ما حق نداریم هزاران دختر پارسی را ببندیم به شوشدوش مجاهدان الجزایری، بی نام و نشان - این انتظار پادشاه دنیوی ما نبود اخروی، در زمانهای ما، مخفی، سنگهای کوهستانی و قلب و ایگاههای جنگلی، از سینه آتش زیر صحرای الجزایر و زمین‌ها و پناهگاههای شهر شهوت و شراب و ریزش، علیه استعمار فرانسه و قذافی‌دنیای چوچن - اول درگول جنگیدند و شکست‌های هولناک را دیدیم. همدادهای شوکه‌مند را در راه آزادی ملتی بیگانه استقبال کردند. و زن تا آنجا پیش رفته که تجسم ایدئال ملک و مظهر تاریخ و غنای و افتخار و کثرت شده است. ما حق نداریم مردم «توری» و بنشاسیم، به نام آخرین مظهر ایدئال زن تمدن بزرگ، ملکه زیبایی جهان در سال ۱۹۷۱ و در نمایش برجسته‌ترین زنان نامیده زن اروپا، یعنی ما که گشت‌های قربانی دستگاه‌های تولید اروپایی‌اند همین استعباری‌ها و عروسک‌های اروپایی، سرمایه‌داری و کینیزان تمدن جدید که تمام ارزش‌های اجتماعی و فضایی انسان‌شان در لباس‌های‌شان است. در اسفل انسان‌شناسی، اینها ما ایرانی‌ها حق داریم، عفت، زن، تمدن، اروپا، بنشاسیم.

۴. (ع):

هر کس حق معبودیت خدا را به جا آورد، خداوند بیش از حد انتظار و کفایتش به او عطا می کند.

■ از رادیو رشت تا «گل‌ها»

■ از رادیو رشت تا «گل‌ها»

● **تلفیق دستگاههای و فولکلور:** تجربه‌ای که گرامر نشد آنچه استاد مسعودی انجام داد، فراتر از یک خوانندگی ساده بوده و آن سنت کاملاً متفاوت را که یک حنجره کردی (کرمانجی) بسوز، شاگردی مستقیم و زنجی اکبر خان شهبازی (کرمانجی) و ویولن)، احمد عبادی (مستقیم و مضارب‌های ظرفی) و ملوک داد: از سبزی دیگر، سال‌ها نوش جان کرده بود آوازهای کامرانی، شاپور، آه‌های مادران روستایی و آوازهای چوپانان دیلمان، را و با یکدیگر تلفیق این‌ها را چنان‌که در آوازهایش می‌توان مشاهده کرد.

● **آواز ۲۰ ساله:** چنان‌که به هم دوخت، مثلاً در آواز بیت کرد (برگ سبز شماره ۲۲۷) با ویولن پرویز باحتی، تحریرهای محلی «گلوزی» را در یک دستگاه بیت کرد می‌نشانند بدون آنکه حتی یک نت از خود بیجا بمانند. در آن تصنیف «گل گلچامچال» با تنظیم روح‌الله خالقی، ملودی محلی را با آواز گسترش کرد و گل‌ها را چنان تلفیق کرد که هنوز پس از ۶۰ سال، یکی از درخشان‌ترین قطعات مجموعه گل‌ها به نامش می‌رود. منتقدان موسیقی چون هوشنگ ظریف و محمد موسوی را به گفته‌اند: «مسعودی تنها کسی بود که توانست

۹ ملاک

روابط عمومی: ۶۶۴۱۲۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ شماره: ۶۶۴۱۴۱۲۷
پایمان‌سان: @vatanemrooz پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
جواب: موسسه جام‌چم برتر پرنه توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

■ ناصر مسعودی و حافظه شنیداری جامعه ایران

■ ناصر مسعودی و حافظه شنیداری جامعه ایران

سریال «چاکر جنگلی» در زمان پخش خود یکی از پربیننده‌ترین آثار تاریخی تلویزیونی ایران پس از انقلاب بود. فیلمنامه محکم بر اساس اسناد تاریخی برای‌های درخشان فیلمبرداری دشوار در جنگل‌های مابال، رودبار و لاهیجان و از همه مهم‌تر توانایی‌اش در تبدیل یک قیام محلی به نمادی از مقاومت ملی، آن را به اثری فرا ژانر یک سریال معمولی تبدیل کرد. آنچه این اثر را از سطح یک درام تاریخی موقف به یک پدیده فرهنگی - اجتماعی ارتقا داد هنوز هم پس از نزدیک به ۴ دهه در حافظه جمعی ایرانیان زنده نگه داشته، ترانه پایانی با صدای ناصر مسعودی بوده، ترانه چقدر جنگل‌ها گویی... و میرزا کوچک خان جنگلی کوچک خان» که تا امروز گرد و غبار آوازه‌اش و تنظیم ارکستر برای صحنه‌ها به هری‌فرقین و ناصری و حسن ناهید، هر هفته پس از پایان تصاویر پخش می‌شد و میلیون‌ها بیننده را - حتی پس از اتمام کسب و - پای‌ها می‌نشاند. امیران مسعودی در این قطعه ویدیویی منحصر به‌فردی داشت که او را به یک اثر بی‌همتا تبدیل کرد. در لجه کاملاً اصیل و بدون تصنع رشتی، استفاده دقیق و حساسه‌شدن از تحریرهای کشیده و محلی مقام «گلوزری» در دل داستان‌ها و صدای گرم، مراحیم و در عین حال کنترل‌شده که به‌بار کشید و برای مهاجنت بود و هیچ‌کس برای افادای استانداردهای استودیویی نکرد. این ترکیب باعث شد که ترانه کاملاً لیکلی زبان، بدون نیاز به زیرنویس یا توضیح، برای مخاطبان سراسر کشور قابل فهم، پدیده و تازگی عجیب خود، نتیجه این اثر است. فرا از موقعیت موسیقایی بود. برای نخستین‌بار در تاریخ رسانه ملی ایران، این قطعه محلی به نام موسیقی یک خطه در ذهن کل جامعه تبدیل شد. شنونده تهرانی، تبریزی، اصفهانی، شیروانی یا خراسانی که شاید هرگز به شمال سفر نکرده بود، آن طریقی همین ۴ دقیقه و چهل ثانیه با محلی جنگل‌های هر یک از استان‌های ایران، چرخش باران، چرخش فصلی و هویت موسیقایی گیان آشنا شد. این اثره سال ۱۴۰۰ به عنوان میراث فرهنگی ناملموس کشور به ثبت ملی رسید و هنوز هم در شنونده‌ترین و ساخت‌شده‌ترین قطعه موسیقی فولکلور گلستان در طول تاریخ ایران است. این نسل دهه ۶۰ که سریال را هفته به هفته دنبال می‌کرد، شنیدن دوباره این ترانه یادآور جمع‌شبه‌های خانوادگی، تلویزیون‌های لامپی، فضای سال‌های جنگ و بازسازی غرور ملی بود در دوران سخت پس از انقلاب. این اثره نسل‌های ۷۰، ۸۰ و ۹۰ که هم‌سایر را بعداً در نوار، سی‌دی یا اینترنتی‌های دیجیتال دیده‌اند، هر هفته به تنهایی کافی است تا نام میرزا کوچک خان» با «گیان» و با صدای ناصر مسعودی پیوند بزند. امروز پس از نزدیک به ۴ دهه نسخه مسعودی همچنان مرجع اصلی اثر، هم‌راهی رسمی استانی، عروسی‌ها و جشن‌های محلی، نواهی رنگرنگی شمال، کلیساهای شیشه‌ای اجتماعی، رنگ

[illegible]

بالاخره پس از ۴۷ سال دونالد ترامپ تصمیم گرفت این گزینه را در جنگ ۱۲ روزه عملیاتی کند. نتیجه استفاده از گزینه نظامی علیه ایران نیز مشخص و واضح بود و واشنگتن نتوانست به هیچ‌کدام از اهداف تعیین شده خود علیه تهران برسد یا با وجود ادعای ترامپ اما نه در آمریکا و نه در هیچ‌کدام از کشورهای دنیا کسی باور نمی‌دهد که نزله‌های هسته‌ای ایران پس از حملات آمریکا به تسلیحات هسته‌ای کشورمان از بین رفته باشد. حتی اژانس اطلاعات دفاعی، آمریکا نیز چند روز پس

1

تلفن‌های بسیاری از میانسالان و حتی در بازخوانی‌های رسمی
رکستر ملی ایران. کمتر خواننده‌ای جرأت کرده این قطعه را با
تغییرات اساسی بازخوانی کند، چون همه می‌دانند هیچ صدایی
نمی‌تواند همان سن و سال و همان گفت‌وگوهای را منتقل کند
به همین دلیل است که می‌توان گفت ناصر موسوی را اجرای
این تک‌ترانه، موفق‌ترین، پایدارترین و عمیق‌ترین پل ارتباطی
را میان هویت موسیقایی گیلان و حافظه شنیداری کل جامعه
ایرانی بنا کرد؛ پایی که هنوز استوار، زنده و غیرقابل جایگزین
باقی می‌ماند است.

استاد ناصر مسعودی، «بلبل گیلان»، ۶ آذر ۱۴۰۴ درگذشت

با رفتن او آخرین صدای اصیل سگانه بزرگ موسیقی فولکلور گیلان خاموش شد اما اهمیت او بسیار فراتر از یک خواننده محلی بود؛ او یکی از نادرترین هنرمندانی که توانست تاریخ یک قیام، جغرافیای یک خفله و نوستالژی یک دهه را در یک حنجره جمع کند و به گوش کل ایران برساند؛ او تاریخ را با صدا روایت کرد و ترانه «چندر جنگلا خوشی» که در پایان هر قسمت از سریال موفق «کوچک جنگلی» پخش می‌شد، بیش از یک موسیقی متن بوده؛ ادامه تصویری که میرزا کاظم خان جنگلی بود و در روزهایی که هنوز کتابهای تاریخ به سختی به دست مردم می‌رسید، صدای مسعودی به میلیون‌ها ایرانی آموخت که مقاومت می‌تواند از دل جنگل‌های شمال برآید، همان جنگل‌هایی که میرزا در آن پنهان شده بود و مسعودی سال‌ها بعد با تجربه‌ای کشیده و سوزناک آن را زنده کرد و او جغرافیای راهم با صدا ترسیم کرد و یک جمله ساده «چندر جنگلا خوشی» کافی بود تا شنونده، حتی اگر هرگز به گیلان نرفته بود، بود، بوی خاک خیس بعد از باران، صدای راور در تالاب انزلی، عطر برنج تازه و رطوبت مه‌های شمال را حس کند و لهجه کار برشتی، کشش‌های محلی و انتخاب قلمات تنه‌ها، گیلان را از یک نقطه روی نقشه به یک «فضای احساسی» تبدیل کرد که از آن پس هر ایرانی با شنیدن این صدا، ناخودآگاه «شمال» را تصور می‌کند و سرانجام او نوستالژی دهه ۶۰ را جودآلوده کرد و برای کسانی که آن سال‌ها را دست‌نشانده دیدار باور ساز می‌شود؛ عجب‌مشایخی خلواذگی، تلویزیون‌های سیاه‌وسفید، چراغ‌قشعی، قطع و وصل برق، روزهای جنگ و حس غرور جمعی در سال‌های سخت است و آن ترانه نه فقط موسیقی متن یک سریال، بلکه موسیقی متن یک دوره تاریخی از زندگی ایرانیان شد؛ دوره‌ای که هنوز در ذهن بسیاری به عنوان «ان روزها» شناخته می‌شود. به همین دلیل صدای «بلبل گیلان» هرگز کهنه نمی‌شود و او در یک اجرا ۳ لایه عمیق را هم پیوند زد؛ لایه تاریخی (قیام میرزا)، مقاومت محلی، لایه جغرافیایی (طبیعت و هویت شمال)، لایه نوستالژیک (دهه ۶۰ و خاطره جمعی یک ملت). پیشکش امروز ۱۴۸۰ در جوهر امروز کوچک‌خان به خاک سپرده می‌شود اما صدای او هرگز در خاک آرام نمی‌گیرد و هر بار که باران بر شالیزارها ببارد، هر بار که نام میرزا بر زبان‌ها بیاید، هر بار که کسی بخواهد «گیلان واقعی» یا «ایران دهه ۶۰» را یاد بیابورد، ناصح مسعودی دوباره خواننده‌ان ده حنجره، بلکه از عمق تاریخ، جغرافیای، خاطره یک ملت.

به خبری در ۱۲ خرداد، روزنامه نطنزنا نوشت: «توانست مردم ایران را با خود همراه کند، بلکه حتی در قبال برنامه‌های استثنای ایران نوشت که هدف خود از نادیده گرفتن سیاست‌ها و بردن بر همین اساس، شکست استفاده از گزینه نظامی علیه ایران کاملاً فاحش است». به اعتقاد کارشناسان دلیل اصلی ترامپ طی ماه‌های پس از جنگ تلاش می‌کرد تا سودهای عظیمی برای این کشور مطرح کند، همین هراس او از اثبات شکست استفاده از گزینه نظامی است اگرچه دولت‌های آمریکا همواره ایران را به استفاده از گزینه نظامی تهدید می‌کردند اما هیچ کدام حتی دولت جورج بوش کوچک نیز سراغ این گزینه نگرفتند چرا که بخوبی از شکست استفاده از این گزینه در قبال ایران مطلع بودند. ترامپ اما با خیره‌مندی از این گزینه استفاده کرد و اکنون در مقابل سوالات انبوه متخصصان کارشناسان آمریکایی قرار گرفته که نتیجه و فایده عمل علیه ایران و مشارکت مستقیم آمریکا در این جنگ چه بود؟

توجیهات ترامپ برای القای موفقیت استفاده از گزینه نظامی علیه ایران چند در میان طرفدارانش شید بنده پخته بود. او اکنون نسبت به این موضوع دچار استیصال شده است. به همین خاطر است که برخی کارشناسان مطرح نظیر پرفسور «جان مرشایمر» نظریه بهرادران مشهور آمریکایی معتقدند با وجود آنکه بر اساس منطق دیگر نباید آمریکا جنگ علیه ایران را پیشنهاد بدهد و به واسطه شکست متغیض ترامپ در جنگ ۱۲ روزه ممکن است آن تلاش کند یک بار دیگر شانس خود را استفاده از گزینه نظامی امتحان کند. هر چند مشکل بزرگ‌تر ترابم، واکنش مردم ایران به این جنگ است. انجام و همبستگی ملی ایرانیان در جنگ ۱۲ روزه بزرگ‌ترین عامل بازدارنده است. به عبارتی تا زمانی که مردم ایران همبسته و یکصدا علیه دشمن هستند، استفاده آمریکا و رژیم صهیونیستی از گزینه نظامی بی‌فایده و محکوم به شکست است. از همین رو است که کارشناسان معتقدند تا زمانی که مردم ایران علیه دشمن متحد هستند، جنگ دیگری علیه کشورشان رخ نخواهد داد.